به بهانه‌ی برگزاری دادگاه نظامی مصدق

هزینه‌های اعتماد به آمریکا

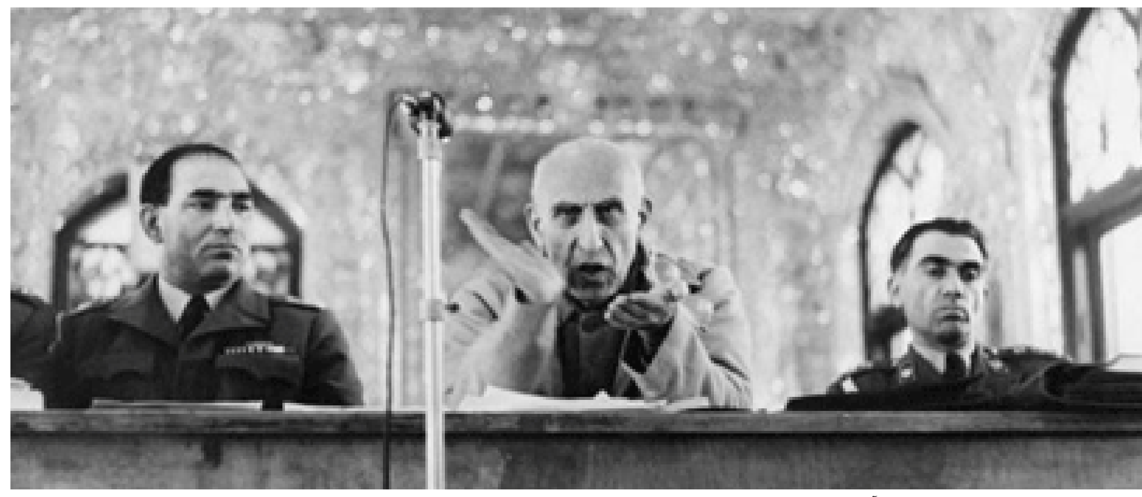

بدون تردید یکی از مهم‌ترین جریان‌ها و احزابی که در دهه‌ی ۲۰ تشکیل شد و نقش مهمی در عرصه‌ی سیاسی داشت، جبهه‌ی ملی است که در آبان‌ماه ۱۳۲۸ به طور رسمی شروع به کار کرد.[۱] جبهه‌ی ملی که با ریاست دکتر مصدق کار خود را آغاز کرد، شامل جریان‌ها و احزاب مختلف دیگری نیز می‌شد. در واقع مؤسسان جبهه‌ی ملی، مدیران برخی جراید، احزاب و گروه‌های سیاسی بودند که با حفظ تشکل حزبی خود به عضویت جبهه‌ی ملی درآمدند.[۲] دکتر مصدق با پیشنهاد اعضای مجلس ۱۶ و البته با حمایت آیت‌الله کاشانی، در اولین روزهای سال ۱۳۳۰، به مقام نخست‌وزیری رسید. وی مهم‌ترین هدف خود را در جایگاه نخست‌وزیری، ملی شدن صنعت نفت می‌دانست که در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ با تأیید مجلس سنا، از زیر سلطه‌ی کمپانی انگلیس خارج شد.[۳]

اگرچه مسئله‌ی ملی شدن صنعت نفت در تاریخ ایران مسئله‌ی بسیار مهمی است، ولی موضوع کار این مطلب بیان میراث فکری است که به وسیله‌ی دکتر مصدق بنیان گذاشته شد و تا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز ادامه یافت. چند مسئله در تفکر دکتر مصدق نمود بارزی داشت که به وسیله‌ی ادامه‌دهندگان راه وی نیز دنبال می‌شد. این مسائل به عنوان مهم‌ترین ایرادات، نه تنها به دکتر مصدق، بلکه به جبهه‌ی ملی و ملی‌گرایانی که در بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در صحنه‌ی سیاسی فعال بودند، وارد است. در این راستا، نوشتار حاضر، به عنوان آسیب‌شناسی مصدق، به دنبال بررسی بسیار گذرای این موضوعات است: اعتماد به غرب، مصادره‌ی یک جنبش، اصلاح‌گری به جای انقلابی‌گری و تفکر در چارچوب ملی‌گرایی.

۱. اعتماد به غرب

بسیاری از مورخین و محققینی که در حوزه‌ی مسائل ایران، به خصوص دوران حساس دهه‌ی ۳۰ فعالیت دارند، اعتماد به غرب را از مهم‌ترین اشتباهات دکتر مصدق می‌دانند که منجر به فروپاشی دولت وی نیز شد. پس از پیروزی ایران بر کمپانی انگلیسی در خصوص ملی شدن صنعت نفت، از آنجایی که فروش نفت ایران کاهش پیدا کرد، مشکلات اقتصادی بحرانی را در کشور به وجود آورده بود.[۴] امیدهای دکتر مصدق به مساعدت دولت آمریکا برای مواجهه با مشکلاتی که انگلستان برای ایران به وجود آورد، ایشان را با شرایط دشواری مواجه نمود. دکتر مصدق گمان می‌کرد که دولت آمریکا برای جلوگیری از نفوذ کمونیسم در ایران، با توجه به جایگاه حساس و استراتژیک ایران برای آمریکا، در مقابل انگلیس قرار می‌گیرد و در نهایت، با کمک‌های مالی، منجر به خروج ایران از این شرایط بحرانی می‌شود.[۵] همین اتکا به کمک دولت آمریکا، در آن شرایط حساس، که با جواب منفی آمریکا همراه بود، یکی از مهم‌ترین دلایل سقوط دولت ایشان بود.

نه مصدق و نه دنباله‌روان فکری وی، هیچ وقت تفکرات اصلاح‌گرایانه‌ی خود را در قبال رژیم شاهنشاهی کنار نگذاشتند. این طرز تفکر در پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز همچنان ادامه داشت و این عده کماکان معتقد بودند که نیازی به انقلاب نیست و با ایجاد اصلاحات و تغییر در درون رژیم پهلوی، می‌توان شرایط را بهبود بخشید

متأسفانه این نوع تفکر به وسیله‌ی یاران و نزدیکان ایشان، بعد از کودتای ۲۸ مرداد کماکان ادامه داشت و در چندین مورد و حتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی این روند دنبال می‌شد. از جمله می‌توان به دهه‌ی اول ۵۰ اشاره کرد که در آن زمان، آمریکا تلاش کرد با ایجاد فضای باز در ایران و دستور به شاه برای برقراری فضای باز سیاسی، بدین وسیله از مبارزه‌ی مخالفان بکاهد و جای پای محمدرضاشاه محکم‌تر از گذشته شود. در این برهه‌ی حساس، احزاب و جریان‌های متأثر از نحله‌ی فکری دکتر مصدق، با مخالفت‌های خیابانی مردم مخالفت می‌نمودند و تصور می‌کردند که آمریکا به دنبال تضعیف قدرت محمدرضاشاه است.[۶] همین اشتباه را دولت موقت مهندس بازرگان نیز انجام داد که در نهایت، این موضوع منجر به استعفا و به تدریج، کناره‌گیری وی از فعالیت‌های سیاسی شد.

۲. مصادره‌ی یک جنبش

همان طور که گفته شد، مهم‌ترین اتفاقی که در دوران نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق افتاد، ملی شدن صنعت نفت و خروج آن از سلطه‌ی کمپانی انگلیس بود. ملی‌گرایان و دیگر احزاب و جریان‌هایی که درون جبهه‌ی ملی جای می‌گرفتند، همواره بر نقش دکتر مصدق و به طور کلی، دولت ایشان در ملی کردن صنعت نفت تأکید می‌نمودند و در واقع، به نحوی این حادثه را مصادره به مطلوب می‌کردند. بدون شک، نقش دکتر مصدق در جریان ملی شدن صنعت نفت انکارناپذیر است. ایشان از قبل از نخست‌وزیری، دغدغه‌ی این کار را داشتند و پس از به دست آوردن پست نخست‌وزیری، نقش بسیار مهمی در ملی کردن صنعت نفت ایفا می‌کردند.

با این حال، با مرور مختصر دوران نخست‌وزیری دکتر مصدق، به نقش بسیار تأثیرگذار آیت‌الله کاشانی پی می‌بریم. پس از آنکه در سال ۱۳۳۰ محمدرضاشاه با درخواست دکتر مصدق مبنی بر گرفتن وزارت جنگ از محمدرضاشاه و اداره‌ی آن به وسیله‌ی نخست‌وزیری مخالفت کرد، وی در آن شرایط حساس، به نشانه‌ی قهر، از سمت نخست‌وزیری استعفا داد و به همین دلیل، کشور در آستانه‌ی ورود به بحرانی جدید قرار گرفت.[۷] در این برهه‌ی حساس، آیت‌الله کاشانی با فراخواندن مردم و حضور آن‌ها در خیابان‌ها، نقش بسیار مهمی در نجات کشور از بحران و تسلط دوباره‌ی شاه بر کشور داشتند. هرچند که این مقاومت و ایستادگی چندی بعد به پایان رسید.[۸] واقعیت این است که اگر تلاش‌های آیت‌الله کاشانی در این مسیر نبود، به هیچ وجه آن موفقیت‌ها حاصل نمی‌شد.[۹] به تدریج و با ادامه‌ی خودرأیی دکتر مصدق در بسیاری از امور و دور شدن ایشان از آیت‌الله کاشانی، شرایط برای دوام و موفقیت دولت ایشان کاهش یافت و در نهایت، با کودتای از پیش هماهنگ‌شده‌ی آمریکا و انگلیس، در ۲۸ مرداد دولت ایشان سقوط کرد.[۱۰]

تا زمان شکل‌گیری جبهه‌ی ملی دوم که در سال ۱۳۳۸ شکل گرفت، نهضت‌های فکری باقی‌مانده که متأثر از طرز فکر دکتر مصدق بودند، به تدریج از روحانیون و به طور کلی، از گرایش‌های اسلامی جدا شدند و هر چه به پیروزی انقلاب اسلامی نزدیک‌تر می‌شدیم، این جدایی بیشتر نیز می‌شد. از همین رو این‌ها، جریان ملی شدن صنعت نفت را موفقیتی می‌دانستند که فقط در اثر تلاش‌های دکتر مصدق و تیم تحت نظارت ایشان صورت گرفته است. اگرچه نمی‌توان نقش دکتر مصدق را در این راستا نادیده گرفت، ولی بدون تردید، بدون حضور آیت‌الله کاشانی و نقشی که ایشان در آگاهی دادن مردم داشتند، هیچ گونه پیروزی حاصل نمی‌شد.[۱۱]

۳. اصلاح‌گری به جای انقلابی‌گری

یکی دیگر از مهم‌ترین نقدهایی که هم به دکتر مصدق و هم به جریان بعد از ایشان (که طبیعتاً متأثر از وی بودند) می‌توان گرفت، گرایش‌های اصلاح‌طلبانه و اصلاح‌گری ایشان در مقابل حکومت محمدرضاشاه است؛ در حالی که فرصت برای ساقط نمودن وی فراهم شده بود. دکتر مصدق در دوران نخست‌وزیری خود و حتی قبل از آن، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های خود را اجرای دمکراسی، آزادی در انتخابات و مباحثی این‌چنین مطرح می‌کرد و امید داشت که بتواند در حکومت کاملاً اقتدارگرایانه‌ی محمدرضاشاه، این اصول را پایه‌ریزی و اجرا کند و به همین دلیل، چشمان خود را بر بسیاری از کج‌رفتاری‌های شاه و نزدیکان وی بسته بود. به این امید که بتواند با ایجاد اصلاحات، این روند را تغییر دهد.[۱۲] ولی با نگاهی عمیق پی می‌بریم که دولت دکتر مصدق به دنبال دمکراسی و اجرای آن نبود و دلیل اصلی آن نیز روحیه‌ی خودرأیی ایشان بود که مجالی برای اجرای سیاست‌های آزادمنشانه و دمکراسی‌مآبانه باقی نمی‌گذاشت.

دکتر مصدق گمان می‌کرد که دولت آمریکا برای جلوگیری از نفوذ کمونیسم در ایران، با توجه به جایگاه حساس و استراتژیک ایران برای آمریکا، در مقابل انگلیس قرار می‌گیرد و در نهایت با کمک‌های مالی، منجر به خروج ایران از این شرایط بحرانی می‌شود. همین اتکا به کمک دولت آمریکا، در آن شرایط حساس که با جواب منفی آمریکا همراه بود، یکی از مهم‌ترین دلایل سقوط دولت مصدق محسوب می‌شد.

وی عملاً با زیر پا گذاشتن قانون در خصوص گرفتن مجوز از مجلس برای اجرای برنامه‌های خود، بدون تأیید مجلس نشان داد که دولت مصدق بیش از آنکه گرایش‌های دمکراتیک داشته باشد، گرایش‌های ناسیونالیستی داشت. این نگرش در میان یاران وی بسیار قوی‌تر از زمان خود وی در ادامه اجرا شد؛ تا جایی که به تدریج آن‌ها جایگاه خود را در میان مردم ایران از دست دادند.[۱۳] نکته‌ی بسیار مهم در این خصوص، این مسئله است که اگرچه دکتر مصدق به دنبال سیاست‌های دمکراتیک‌منشانه و اصولاً به دنبال اجرای دمکراسی در ایران نبود، ولی در برخورد با مخالفان دمکراسی‌ستیز خویش، که در رأس آنان شاه و ارتش وی قرار داشت، با روحیه‌ی تساهل و مدارا برخورد می‌کرد و در تلاش بود تا با ایجاد اصلاح، شرایط را تغییر دهد و این عملاً با توجه به روحیه‌ی استبدادی شاه غیرممکن می‌نمود.

پس از مصدق نیز رویکرد سازشکارانه و مصلحت‌جویانه در برخورد با مخالفان سرسخت و رژیم شاهنشاهی، در میان طرفداران دکتر مصدق، به عنوان یک ایدئولوژی فکری ظاهر شد؛ تا جایی که در اوایل دهه‌ی ۴۰ که جبهه‌ی ملی دوم پس از ۹ سال تحمل فشارهای سنگین از سوی ساواک و ارتش شاه دوباره مجالی برای خودنمایی پیدا کرد، در مقابل کشتار مردم در سال‌های ۴۲ و نیز تبعید امام در سال ۴۳، هیچ گونه حرکتی از خود نشان نداد و حتی در خصوص تبعید امام نیز موضع بی‌طرفانه گرفت. همچنین در سال‌های پایانی حکومت شاه، که شاپور بختیار به عنوان نخست‌وزیری رسیده بود، حامیان فکری دکتر مصدق کماکان به دنبال حمایت از حکومت و تلاش برای ایجاد اصلاح بودند. این در حالی بود که در آن زمان، تمامی ملت ایران به رهبری حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه) بسیج شده بودند تا حکومت طاغوتی پهلوی را ساقط کنند.[۱۴]

در مجموع، نه مصدق و نه دنباله‌روان فکری وی، هیچ وقت تفکرات اصلاح‌گرایانه‌ی خود را در قبال رژیم شاهنشاهی کنار نگذاشتند. این طرز تفکر در پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز همچنان ادامه داشت و این عده کماکان معتقد بودند که نیازی به انقلاب نیست و با ایجاد اصلاحات و تغییر در درون رژیم پهلوی، می‌توان شرایط را بهبود بخشید و آزادی را به مردم بازگرداند و مانع از استبداد شاه شد. به زبان گویاتر، این جریان معتقد به حکومت مشروطه‌ی سلطنتی بود.

ملی‌گرایی مصدق زمانی اوج پیدا کرد که محمدرضاشاه نیز برای جلب نظر مردم سخن از سیاست مستقل ملی می‌زد. او تلاش می‌کرد با تبلیغ این نگرش نشان دهد که سرباز مطیع آمریکایی‌ها نیست و بدین وسیله به مردم بقبولاند که به دنبال استقلال ملی ایران است و با هر گونه استعمار خارجی به مخالفت می‌پردازد.

۴. گرایش به ملی‌گرایی

مصدق بیش از آنکه سودای دمکراسی داشته باشد، گرایش‌های ناسیونالیستی و ملی‌گرایانه داشت و یکی از مهم‌ترین دلایل اختلاف میان آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق همین مسئله بود که دکتر مصدق به اسلام و نقش آن برای برقراری دولتی کارساز و قوی توجه نداشت.[۱۵] در آغاز حرکت به سوی ملی شدن صنعت نفت، سخن از تمایلات ملی‌گرایانه بسیار مفید بود، زیرا بدین وسیله، حمایت بخش‌های مختلف جامعه را به همراه داشت تا در مقابل استعمار انگلیس ایستادگی کند و استقلال ملی ایران حفظ شود، ولی به تدریج این تمایلات به سمت دیدگاه‌های تند و منفی حرکت کرد؛ تا جایی که مسئله‌ی جدایی دین از سیاست، ترجیح ملیّت بر دین و اخذ توسعه‌ی کامل از غرب مطرح شد. این امر باعث جدایی مذهبیون از ملی‌گرایان شد که حاصل آن سقوط دولت مصدق و برقراری استبداد محمدرضاشاهی از سال ۳۲ به بعد بود.[۱۶]

ملی‌گرایی مصدق زمانی اوج پیدا کرد که محمدرضاشاه نیز برای جلب نظر مردم، سخن از سیاست مستقل ملی می‌زد. او تلاش می‌کرد با تبلیغ این نگرش، نشان دهد که سرباز مطیع آمریکایی‌ها نیست و بدین وسیله به مردم بقبولاند که به دنبال استقلال ملی ایران است و با هر گونه استعمار خارجی به مخالفت می‌پردازد.

نکته‌ی مهم دیگر اینکه ملی‌گرایان هیچ گاه به صورت جدی به مخالفت با محمدرضاشاه نپرداختند و عمده‌ی اختلافات آن‌ها در حوزه‌ی مسائل جزئی محدود می‌شد. به طور مثال، زمانی که شاه جزیره‌ی بسیار مهم بحرین را در یک معامله‌ی نابخردانه از دست داد و منجر به جدایی همیشگی بحرین را از ایران شد، به جزء تعدادی از جریان ملی‌گرایی، دیگر اعضای این جریان سکوت کردند و در مقابل این خیانت محمدرضاشاه، لب به سخن نگشودند.[۱۷] نکته‌ی مهم دیگر اینکه ملی‌گرایان در تمام دوران حضور خود در عرصه‌ی سیاسی و با توجه به تمام شعارهای ملی‌گرایانه‌ی خود، همواره منتظر کمک‌های مالی یا تسهیلاتی آمریکا برای عبور از بحران بودند و این مغایر مباحث ملی‌گرایی و وطن‌دوستی است.

*علی‌اکبر نودهی؛ اندیشکده برهان

پیام امام خمینی(ره) برای جشن قطع رابطه با آمریکا

بسم الله الرحمن الرحیم

۱۹ فروردین ۱۳۵۹ / ۲۲ جمادی الاول ۱۴۰۰

ملت شریف ایران، خبر قطع رابطه بین ایران و امریکا را دریافت کردم و اگر کارتر درعمر خود یک کار کرده باشد که بتوان گفت به خیر و صلاح مظلوم است، همین قطع رابطه است. رابطه بین یک ملت بپا خاسته برای رهایی از چنگال چپاولگران بین المللی با یک چپاولگر عالَمخوار، همیشه به ضرر ملت مظلوم و به نفع چپاولگر است. ما این قطع رابطه را به فال نیک می‌گیریم؛ چون که این قطع رابطه دلیلی بر قطع امید امریکا از ایران است. ملت رزمنده ایران این طلیعه پیروزی نهایی را که ابرقدرت سفاکی را وادار به قطع رابطه - یعنی خاتمه دادن به چپاولگریها - کرده است، اگر جشن بگیرد حق دارد. ما امیدواریم که نابودی سرسپردگانی مثل سادات و صدام حسین بزودی انجام گیرد و ملتهای شریف اسلامی به این انگلهای خائن، آن کنند که ملت ما با محمدرضای خائن کرد؛ و به دنبال آن برای آزاد زیستن و به استقلال تمام رسیدن، قطع روابط با ابرقدرتها خصوصاً امریکا نمایند. من کراراً گوشزد نموده‌ام که رابطه ما با امثال امریکا، رابطه ملت مظلوم با جهانخواران است. شمای ملت عزیز! که برای رضای خداوند متعال، با بانگ «الله اکبر» بر دشمنان خود چیره شدید و آزادی و استقلال را به دست آوردید، با اتکال به خداوند تعالی و حفظ وحدت کلمه مهیا باشید برای رو در رویی دشمنان اسلام و دشمنان مستضعفین؛ شما به خواست خدای تعالی پیروز هستید و بر مشکلات غلبه خواهید کرد. صدام حسین که همچون شاه مخلوع چهره قبیح غیراسلامی و انسانی خود را نشان داده و به هدم اسلام و حوزه مقدسه نجف کمر بسته و با مسلمانان مظلوم برای رضای کارتر، آن کند که مغول کرد، و با علمای اسلام خصوصاً حضرت آیت الله آقای سیدمحمدباقر صدر، آن کند که رضاخان و محمدرضا پهلوی با علما و روحانیون و سایر طبقات کردند، باید بداند که با این اعمال ضداسلامی، گور خودش و رژیم تحمیلی غیرانسانی و غیرقانونی بعث را با دست خود می‌کند.

ملت شریف عراق! شما اخلاف آنان هستید که انگلیس را از عراق راندند؛ بپا خیزید و قبل از آنکه این رژیم فاسد همه چیز شما را تباه کند، دست جنایتکار او را از کشور اسلامی خود قطع کنید. ای عشایر فُرات و دجله! (۱) همه با هم و با همه ملت اتحاد کنید و این ریشه فساد را قبل از آنکه فرصت از دست برود، قلع و قمع نمایید، و برای خدا دفاع از کشور اسلامی خود و از اسلام مقدس نمایید که خدا با شماست. ای ارتش عراق! اطاعت از این مخالف اسلام و قرآن نکنیدو به ملت بگرایید و دست امریکا را که از آستین صدام بیرون آمده است قطع کنید و بدانید اطاعت از این سفاک، مخالفت با خدای متعال است و جزای آن عار و نار است. از خداوند متعال عظمت اسلام و مسلمین و کشور ایران را خواستارم. والسلام علیکم و رحمهُ الله.

روح الله الموسوی الخمینی

صحیفه امام، جلد ۱۲ - صفحه ۲۳۳

چهار توصیه تاریخی امام خمینی(ره) برای فریب امریکا

در سال ۱۳۶۷ و پس از فروکش کردن جنجال های ماجرای ایران گیت (سفر مک فارلین به تهران) معاونت خارجی وزارت اطلاعات اقدام به اجرای طرحی با عنوان طرح بازی با امریکا نمود. در این طرح که در سطح سران سه قوه مطرح و تصویب شد و حتی نخست وزیر وقت از آن اطلاع نداشت، برخی ارتباطات مستقیم با امریکا برای فریب این کشور در دستور کار قرار گرفت.

در تاریخ ۲۶ خرداد ۱۳۶۷، آقای محمد محمدی ری شهری وزیر اطلاعات وقت در نامه ای خطاب به امام خمینی(ره)، پس از عرض سلام می نویسد:

گزارش پیوست خلاصه اقدامات اطلاعاتی که با تصویب سران قوا تحت عنوان بازی با امریکا از باب الحرب الخدعه توسط وزارت اطلاعات انجام گرفته است با عنایت به اهمیت موضوع لازم دیدم که حضرتعالی از ابتدا در جریان جزییات ماجرا باشد تا اگر نظر یا رهنمود خاصی دارید، اینجانب را ارشاد نمایید.

در پاسخ به این نامه حجت الاسلام و المسلیمن سید احمد خمینی در تاریخ ۳۰ خرداد ۱۳۶۷ می نویسد:

باسمه تعالی

جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای ری شهری

وزیرمحترم اطلاعات

حضرت امام فرمودند در جریان فریب امریکا چند مساله باید کاملا روشن گردد:

۱- باید همیشه در دل همه دست اندرکاران به خصوص شما که مسئولیت این فری را بر عهده گرفته اید بغض و کینه امریکا محفوظ باشد.(این مساله مهمی است) چرا که آنها و سایر ابرقدرت ها و قدرت ها به تنها چیزی که فکر می کنند نابودی اسلام و قرآن و انقلاب اسلامی است.

۲- توجه کنید که آنها در زمینه های مختلف دارای سابقه می باشند، یک مرتبه کار به جایی نرسد که متوجه شوید به جای این که شما می خواهید آن ها را فریب دهید، آنها شما را فریب داده اند.

۳- به صورتی حرکت کنید که در هر لحظه که تصمیم داشتید توان بازگو کردن مساله را صادقانه برای مردم داشته باشید.

۴- کسانی را که دنبال این گونه ماموریت ها می فرستید ، دارای ظرفیت لازم باشند که خدای نکرده عکس آنچه را که می خواهید ، حاصل نگردد.

ayyamnet.ir

شباهت‌های تاریخی در جریان نفوذ فرهنگی؛

چگونگی نحوه نفوذ در جمهوری اسلامی / از شخصیت‌هایی نظیر آیت‌الله طالقانی تا امروز

شباهت‌های تاریخی در جریان نفوذ فرهنگی بسیار درس‌آموز و پند دهنده است. نکته‌ای که رهبر معظم انقلاب مکرر به آن اشاره کرده‌اند -مسأله نفوذ فرهنگی- شاید هیچ‌گاه مانند امروز در جامعه ما به عنوان یک موضوع چالشی و بحث‌برانگیز مبدل نشده بود. خصوصاً بعد از مسأله برجام می‌توان گفت یکی از عمده ترین مباحث مطرح در جامعه فکری، فرهنگی و نخبه ما که اذهان مختلفی را به خود درگیری ساخته است، همین نفوذ فرهنگی است که خود را در اشکال مختلف نمایان ساخته و می‌سازد و این مختص یک فرهنگ خاص و یک ایدئولوژی ویژه نیست. ولی با توجه به تئوری «جنگ تمدن هانتینگتون»، تمدنی در جنگ با یکدیگر نیاز به نفوذ دارند تا هم از درون بتوانند دشمن را ضعیف کنند و هم از بیرون به آن ضربه بزنند و چه بسا خصم درون و دشمن نفوذی بسیار کارآمدتر ضربه بزند.

کاری که نفوذی‌های دستگاه بنی‌امیه در خاندان پیامبر انجام دادند چه بسا منجر به انحراف برخی از اسلام ناب محمدی شد و کار به خوارج کشید که عده ای بر علیه علی (ع) جنگ نهروان راه انداختند، این نفوذی‌های فرهنگی که تأثیرشان در انحراف جریانهای تاریخی اسلام به شهادت علی (ع) در محراب، امام حسن مجتبی (ع) در خانه (توسط همسرش) و امام حسین (ع) در کربلا نمایان است و خود را در لابلای صفحات کتب و وقایع تاریخی تا امروز حفظ کرده است.

اگر بخواهیم پروژه نفوذ فرهنگی را به عنوان یک پدیده استعماری نوین تعریف کنیم در برخی از قسمت ها با یکسان سازی فرهنگی نیز مواجه می‌شویم که هر روی این مفاهیم یعنی هم نفوذ و هم یکسان‌سازی فرهنگی در یک نمای کلی برمی‌گردد به جریان نفوذ غرب در قرن بیستم به بعد در کشورهای جهان سوم و خاورمیانه که تئوریزه شدن همان عملیات و جنگ‌های جهانی است، که قبل از آن در غالب جنگ‌های تمدنی و صلیبی مطرح بوده و حتی امروزه هم هست. نفوذ فرهنگی برای هدایت، رهبری و بسترسازی فعالیت‌های دشمن در آن کشور صورت می‌گیرد و درصدد بوده تا بنیان‌های فرهنگی یک ملت با دین، ایدئولوژی و مذهب را منحرف نماید و از درون تخریب کند. نمونه‌های تاریخی فراوانی می‌توان برای این موضوع در تاریخ جهان و ایران نام برد و به آن اشاره کرد.

نمونه‌هایی که از دوره قاجاریه شروع شده و در دوره پهلوی اول و دوم به اوج خود رسید که از مثال های بارز آن می‌توان به پروژه شبیه‌سازی تمدنی از لباس و زبان گرفته تا مد، حجاب، آداب، رسوم و تغییرات گسترده در آن اشاره کرد. این موضوع یعنی نفوذ فرهنگی برای ایجاد انحراف و انهدام دشمن از درون قطعاً به لوازمی نیاز داشت که به عناصر داخلی و خارجی تقسیم می‌شوند و در این میان عوامل داخلی نفوذ نیز می‌توان به یک تقسیم‌بندی دست یافت که شخصیت‌های مهم و تأثیرگذار و به اصطلاح مراجع اجتماعی برای پروژه نفوذ، از اسباب آن به شمار می‌آیند.

به تعبیر بهتر شخصیت‌ها و عناصر مهم فرهنگی از جمله روحانیون همواره در جامعه ما مورد و توجه جدی پروژه نفوذ بودند، خصوصاً در بعد از انقلاب اسلامی ایران. جریان فرهنگی دشمن به دنبال نفوذ در میان گروه عمده نخبگان جامعه یعنی روحانیون و روشنفکران دینی بودند. در میان روحانیون نام دار انقلاب، یکی از چهره‌های مورد توجه جریان نفوذ نفاق،حضرت آیه‌الله طالقانی بود که نقش عمده‌ای در تأثیرگذاری بر جریان انقلاب اسلامی داشت و مقبولیت او در میان توده‌های مردمی کاملا مشهود بود.

چهره پر صلابت و مقتدر آیت الله طالقانی هیچگاه لبخند و شادی را بر چهره دشمن نظام اسلامی نیاورد ولی متأسفانه با بررسی تاریخی بیت ایشان و افراد نزدیک به ایشان درمی‌یابیم که دشمن اگرچه نتوانست این ابوذر زمان را تحت تأثیر قرار دهد ولی توانست با نفوذ در اطراف ایشان تأثیرات مخربی را بر جریان انقلاب وارد کند. به هر حال نگاه قرآنی ایشان از باب مفسر قرآن بودن، موجب شد تا از خطرات نفوذ مصون بمانند ولی دشمن قصد داشت با نزدیک شدن به ایشان همواره به دنبال این بود که بر نظرات فقهی این عالم بزرگوار تأثیر بگذارد. پروژه نفوذ در ایشان تا جایی پیش رفت که نظراتی را در باب حجاب مطرح نمودند که مورد تائید رهبر و بنیان‌گذار انقلاب یعنی امام خمینی (ره)، نبود.

مصاحبه آیت الله طالقانی در مصاحبه با روزنامه اطلاعات مورخ ۲۰ اسفند ۵۷ در مورد حجاب موجب گردید تا امام‌خمینی(ره) به ایشان نصیحتی پدرانه کنند. اختیاری اعلام نمودن حجاب از سوی ایشان که با تذکر خمینی کبیر همراه بود قطعاً یکی از مواردی است که از فردی مانند آیت‌الله طالقانی انتظار نمی‌رفت.

اگر به صورت کلی زندگی، آثار و افکار آیت‌الله طالقانی را بخواهیم به دو بخش تنظیم کنیم یعنی بخش اول تا قبل از ورود به جریان‌ها و فعالیت‌های سیاسی و بخش دوم ورود به عرصه جریان‌های سیاسی مانند جبهه ملی و نهضت‌آزادی یک نکته به خوبی نمایان است. آنچه در هر دو بخش کلیدی و مهم است، شخصیت منزه، پاک، بی‌آلایش و ارزشمند ایشان بوده تا جایی که امام خمینی (ره) به او لقب «ابوذر زمان» دادند.

مسأله اصلی در مورد نفوذ میان اطرافیان ایشان و بالاخره نفوذ بر جریان فکری ایشان، درست از زمانی اتفاق می‌افتد که ایشان به عنوان یکی از طرفداران «جبهه ملی» پس از کودتای ۲۸ مرداد شرکت می‌کند، حتی در سال ۱۳۳۹ جز هیئت مؤسس جبهه ملی دوم معرفی می‌گردد و در کنگره جبهه ملی شرکت کرده و در سال ۱۳۴۰ به همراهی مهندس بازرگان و میرالله سبحانی، حزب نهضت آزادی را بنیان نهاد و نیز عضو همین نهضت بود.

وقتی شخصیت و مقام علمی، فقهی و عالمی مانند آیت‌الله طالقانی تحت یک حزب و سازمان تعریف می‌شود حتی با عنوان هیئت مؤسس، نمی‌توان جریان فکری او را مصون از آفت‌های و زبان‌های این گروه، حزب و سازمان دانست. ایشان که در مسجد «هدایت» تهران مشغول فعالیت بودند ناخودآگاه به دلیل ارتباط فرزندانشان با «سازمان مجاهدین خلق» و گرایشات به این سازمان،روابط خود را حفظ می‌کنند حتی بعد از آزادی آخرین بخش از زندانیان سیاسی در نزدیکی انقلاب، آیت‌الله طالقانی در دیدار با اعضاء «سازمان مجاهدین خلق» می‌گوید:» آن (یعنی ساواک) از نام شما می‌ترسند از نام مسعود رجوی می‌ترسند آنها از نام موسی خیابانی می‌ترسند و . . . «.

«سازمان مجاهدین خلق» - موسوم به گروهک منافقین- در حالی که امام خمینی(ره) برای رحلت آیت الله طالقانی عزای عمومی اعلام نمی‌کنند، اعلام ۵ روز عزای عمومی می‌کند.

اولین نفوذ جدی»پسا انقلاب»؛ فرزند آیت الله طالقانی

در سال ۱۳۵۸ مجتبی پسر آیت‌الله طالقانی از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به دلیل برخی اقدامات خلاف خود در گروهک منافقین بازداشت گردید. از جمله این اقدامات ،قتل یکی از دختران «سازمان مجاهدین خلق» بود. آیت‌الله طالقانی به محض دریافت خبر دستگیر فرزندشان، با کدورت تهران را ترک کردند.

محسن رفیق‌دوست در خاطرات خود می‌گوید:» پرس و جو کردم گفتند ایشان در باغ یکی از دوستان خود به نام احمد علی‌بابائی در شمال است، امام (ره) مرا خواستند و رفتم و توضیح دادم و پرونده مجتبی را خدمت ایشان دادم. امام (ره) خوب مطالعه کردند و بعد فرمودند، اگر این پرونده متعلق به احمد پسر خودم بود و شما او را دستگیر می‌کردید من از شما تشکر می‌کردم اما چه کنم که مربوط است به آقای طالقانی و ایشان گردن انقلاب خیلی حق دارند، بعد گفتند بروید و پسر ایشان را آزاد کنید و به هر نحو از ایشان دلجوئی نمائید.»

ناپدید شدن آیت‌الله طالقانی تنش‌هایی را در فضای تب آلود آن روزها به وجود آورد، این ماجرا چند روز بعد با آزاد شدن مجتبی -فرزند ایشان- پایان یافت. آیت الله طالقانی پس از این ماجرا ابتدا به تهران و سپس به قم رفته و با امام (ره) دیدار کردند، و در نهایت مجتبی به فرانسه رفت و در آنجا با تشکیل یک گروه شبه روشنفکری علیه جمهوری اسلامی به فعالیت پرداخت.

چند نکته مهم در مورد اطرافیان آیت‌الله طالقانی و جریان نفوذ فرهنگی

۱-سازمان مجاهدین خلق و امثال مسعود رجوی و ... که بدون شک با فرزند ایشان ارتباط سازمان یافته داشتند، علاوه بر جنبه تأثیرگذاری بر فرزند ایشان، بر آیت‌الله طالقانی نیز به صورت غیر مستقیم و تضعیف شده تأثیر می‌گذاشتند خصوصاً در بزنگاه‌هائی که بحران هویت در انقلاب اسلامی عده‌ای را دچار تردید و تشویش ساخته بود.

۲-ارتباط با نهضت آزادی که از نظر ایدئولوژیک مانند «سازمان مجاهدین خلق» تئوری ولایت فقیه و نظریه امام راحل را قبول نداشتند و علناً با آن مخالفت می‌کردند.

۳-اطلاع ایشان از آراء و نظرات امام خمینی (ره) و آشنایی نزدیک با ایشان، افکارشان، اصول و مبانی انقلاب، تذکر و نصیحت پدرانه امام به ایشان که می‌گویند:» اگر این مسیر را بروید بهتر می‌توان ترویج دین کرد.»

۴-شاید فشارهای سیاسی و زندان‌های که مرحوم آیت‌الله طالقانی که در راه انقلاب به جان خریدند و جدایی او از فرزندانش و البته تعداد زیاد آنها هم عاملی بود که دشمن بتواند از این خلاء برای نفوذ در بیت ایشان و کار روی فرزندان ایشان بهره‌برداری لازم را ببرند، چون آنچه که رخ می‌دهد معمولاً در گپها یا همان فاصله‌های دوری فرزند از پدر اتفاق می‌افتد و زندانهای مکرر آیت‌الله این فضا را برای دشمنان مهیا ساخته تا روی فرزندان ایشان تأثیر بگذراند. زندان چنانکه در اسناد و مدارک موجود از ساواک و خاطرات و مدارک بازمانده حکایت می‌کند نقش رهبری آیت‌الله طالقانی را برای سازمان مجاهدین خلق بیشتر کرد.

۵-مصاحبه ایشان با روزنامه اطلاعات در مورد حجاب که اشاره کرده بودند «حجاب اجباری نیست» و یا قبول نداشتن اصل ولایت فقیه در قانون اساسی جمهوری اسلامی که در جاهای مختلف به آن اشاره شد.

۶-بازشناسی چهره آیت‌الله طالقانی که در هاله‌ای از ابهامات جریانات سیاسی «مجاهدین خلق»، «نهضت آزادی» و فرزندان بر همه اهل علم خصوصاً چهره‌های معروف و نزدیک به ایشان از حوزه های علمیه لازم است. مقالات و کتبی در این زمینه وجود دارد ولی آنچه به نظر می‌آید بیان چهره حقیقی ایشان بدون حب و بغض و خالی از هرگونه تعلق خاطر است.

۷- آیت الله طالقانی در بسیاری از مواقع برای «سازمان مجاهدین خلق» دلسوزی هم می‌کردند حتی برای نهضت آزادی. ولی در جاهائی نیز آنها را مورد نقد قرار می‌دادند در خاطرات فرزندان آیت‌الله طالقانی خصوصاً اعظم طالقانی به این مسئله اشاره شده حتی در چندین جا به آن پرداخته است.

۸-مرحوم آیت‌الله طالقانی توانست با ارائه مکتوبات نفیس و پرارزشی چون تفسیر «پرتوی از قرآن» و همچنین ارائه خطبه‌های نمازجمعه سالهای نخستین انقلاب اسلامی تا حدودی از حربه تحریف سخنان و شخصیت خودشان جلوگیری نماید ولی وظیفه ما به عنوان کسانی که احساس دین در مقابل ایشان داریم حفظ شئونات ایشان در مقابل تحریف‌هائی بوده که از شخصیت فرهنگی ایشان بعمل آمده است. مرحوم آیت‌الله طالقانی بیش از این است که به حزب و جناح خاص مثل «جبهه ملی» و «نهضت آزادی» و جریان ملی مذهبی و .... محدود شود و حیف است این فرد حزبی و جناحی را به جهت مقاصدی در حزب و گروه و اندیشه‌ای خاص محدود کنیم خصوصاً زمانی که بیشتر از هر زمان دیگری نیازمند آن هستیم تا بزرگان علمی فرهنگی و سیاسی خود را همانگونه که بودند بشناسیم.

*دکتر مهدی گلجان ـ هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس-جهان نیوز

خبر

شهریاری:

ظریف گزارش جدی در مورد حق‌آبه سیستان به هیات رئیسه ارائه کند

به گزارش «توسن»، در جلسه علنی روز دوشنبه مجلس شورای اسلامی حسینعلی شهریاری نماینده مردم زاهدان در مجلس به عنوان نماینده سئوال کننده از وزیر امور خارجه، گفت: شما در این دو سال کار سختی را در پیش داشتید و در نهایت با دستور رهبری این کار به سرانجام رسید و امروز وقت آن است که فکری به حال سیستان‌وبلوچستان کنید.

وی افزود: فقر در سیستان بین تمام مردم مشترک است، مردم مشکلات جدی دارند و در تمام شاخص‌ها این استان از آخر اول است.

شهریاری ادامه داد: امروز درباره دارالولایه سیستان صحبت می‌کنم، همان مردمی که به عنوان اولین قوم به خونخواهی امام حسین(ع) برخاستند.

وی گفت: سیستان‌وبلوچستان در پیروزی انقلاب و جنگ تحمیلی چند هزار شهید نثار این کشور کرد و بعد از انقلاب نه تنها جمعیت آن افزایش نیافت، بلکه به علت مهاجرت مردم آن دچار مشکلات بسیاری شد.

نماینده مردم زاهدان با بیان اینکه هیرمند رودخانه‌ای پرآب و بسیار سیلابی است ادامه داد: این رودخانه در مرز شرقی ایران از افغانستان وارد کشور شده و تنها منبع آبی سیستان محسوب می‌شود، اما در سالهای کم‌آبی افغانستان سهم آبی ایران را نمی‌دهد.

وی گفت: سالانه ۸۲۰ هزار متر مکعب حقابه ایران است و در سیستان ۱۲۰ هزار هکتار اراضی زیر کشت وجود دارد که با این میزان حقابه فقط آب ۵۰ درصد از اراضی زیر کشت را می‌توان تامین کرد.

شهریاری تصریح کرد: دولت افغانستان برای عوض کردن مسیر رودخانه برنامه‌ریزی کرده که عکس‌های هوایی ثبت شده نشان‌دهنده این اتفاق است، بنابراین باید در این‌باره تدبیری شود؛ چون تنها منبع آبی سیستان از افغانستان است.

وی گفت: بنده این سئوال را در سال ۹۲ مطرح کردم، اما به خاطر طولانی بودن صف سئوالات، این سئوال امروز به صحن علنی رسیده است.

نماینده مردم زاهدان افزود: می‌دانم که بد موقعی به مجلس آمده، اما باید بگویم این سئوال سیاسی نیست. بنده سئوال دیگری هم از وزیر خارجه درباره آقای نیکبخت دیپلمات آزاد شده داشتم که سئوالم منتفی شد.

وی گفت: دولت در این مدت کارهای خوبی انجام داده است، اما باید بگویم امروز که برجام تمام شده و دولت فرصت بیشتری پیدا کرده است، لازم است یک اقدام جدی انجام داده و به طور مستمر مسئله حقابه سیستان را پیگیری کند.

شهریاری تصریح کرد: بیش از ۳ میلیون افغانی مهمان ما در کشور هستند، اگر حقابه این افاغنه از سوی افغانستان پرداخت شود، بیشتر از حقابه سیستان خواهد شد.

وی گفت: دولت به طور جدی پیگیری کند تا حقابه سیستان گرفته شده و مشکلات مردم از طریق کنوانسیون‌های بین‌المللی درباره تالاب‌ها و رودخانه‌ها برطرف شود.

این نماینده مجلس ادامه داد: ما به افغانستان سوخت و سیمان می‌دهیم تا روی هیرمند پل بزنند، در حالیکه باید حقابه خودمان را از آنها بگیر یم.

شهریاری با اشاره به اینکه آقای ظریف قول جدی بدهند تا در این خصوص همکاری کرده و زمان مشخصی را برای انجام این مسئله اعلام کنند، خاطرنشان کرد: من قصد اذیت کردن ندارم و می‌دانم که فضای مناسبی برای رای‌گیری نیست، اما آقای ظریف قول دهد که گزارش جدی در این‌باره به هیات رئیسه ارائه دهد.

به گزارش مهر، پس از اعلام قانع شدن نماینده سئوال کننده از توضیحات وزیر، محمدحسن ابوترابی‌فرد که ریاست جلسه را برعهده داشت، گفت: این مسئله یک مسئله ملی است و آقای شهریاری با یک چهره علمی و دانشگاهی همواره دغدغه مردم مظلوم سیستان را داشته‌اند.

وی افزود: از وزیر امور خارجه درخواست می‌کنم که این مسئله را به طور جدی در دستور کار خود قرار دهند تا گزارشی از آن به صحن ارائه نمایند.

نایب رئیس اول مجلس در پایان خاطرنشان کرد: آرزوی اجرای شایسته برجام در چارچوب الزامات تعیین شده از سوی رهبری و طرح مجلس را برای آقای ظریف داریم.

منبع: مهر

توهین استاندار به استکبارستیزان

دلواپسی برای آتش زدن پرچم آمریکا

به گزارش «توسن»، آیسبرگ های (کوه های یخ) قطب جنوب همواره ۳۰ درصد از حجم شان در روی آب ها قابل مشاهده و دیدن است و ۷۰ درصد باقی مانده حجمشان در زیر آب و غیر قابل مشاهده توسط انسان هاست. برخی از بازیگران عالم سیاست نیز در عالم مثال طبق همین قاعده قابل توضیح هستند، یعنی درصدی اندک از اعمال سیاسی و آراء شان در عالم ظاهر قابل مشاهده است.

علی اوسط هاشمی استاندار استان سیستان و بلوچستان از ابتدای آغاز ماموریتش در استان ما همواره حاشیه های زیادی را به همراه عملکردش به دنبال خود داشته است از انتصابات پر حاشیه در مناسب کلیدی استانداری تا اظهارات سیاسی و اجتماعی اش به مناسبت های گوناگون.

اما در این میان نیز بودند استدلال های عجیب و تامل برانگیز از ایشان که در انظار عمومی قابل مشاهده نبود و در فضای مجازی می توان به دنبال آنها گشت. سیاست کارگزاران دولت تدبیر و امید در استفاده از شبکه های اجتماعی از همان ابتدای کار به عنوان شاخصه دولت مطرح گردید و این شاخصه تا جایی در افکار عموم مردم مطرح شد که از این دولت به کنایه تحت عنوان " دولت فیس بوکی" یاد می شود. کارگزاران دولت یازدهم با حضور در فضای مجازی و ایجاد صفحه شخصی در این فضا از ظرفیت های بالای این محیط ها برای افکار سازی عمومی بهره زیادی برده اند و ساعات متمادی از وقت خود را به جای رسیدگی رو در رو به مسائل جامعه در پشت شیشه های بی جان کامپیوتر ها سپری کرده و شاید این همان دلیل استقبال سرد از دکتر روحانی در سفر به استان مازندران بود، دلیلی تحت عنوان " دور شدن از متن جامعه".

اما همین دور شدن از متن جامعه و ایجاد یک فضای خصوصی و یا به عبارتی بهتر کم تر عیان باعث شده است تا این شخصیت های سیاسی سخنانی را در این فضا بیان کنند که اصلا نمی توانند در فضای عمومی و در جلوی دوربین ها به بیان آنها بپردازند. آقای هاشمی استاندار استان سیستان و بلوچستان نیز در همین دسته از بازیگران عالم سیاست جای می گیرد وی که حتی در راهپیمایی امروز ۱۳ آبان ماه و در روز ملی مبارزه با استکبار به یک پیاده روی کوتاه اکتفا کرد در صفحه شخصی فیس بوک خویش نظارت کاملا متفاوتی نسبت به آرمان های امام.ره. و رهبر انقلاب و همچنین عموم مردم ارائه داده است که در نوع خود بسیار قابل توجه است.

در عکس های ذیل این مطلب می توان آراء پنهان استاندار را به نظاره نشست، در جایی یک فرد از کاربران شبکه اجتماعی فیس بوک با انتشار عکسی به آتش زدن پرچم آمریکا انتقاد کرده است و آقای اوسط هاشمی در کمال تعجب و به صراحت آتش زدن پرچم آمریکا را " کج فهمی" خوانده است :

توهین علی اوسط هاشمی به جوانان ضد آمریکایی

آیا این مرگ بر آمریکا و آتش زدن پرچم این کشور به معنای دشمنی با ملت آمریکاست؟ رهبر معظم انقلاب دیروز و درست یک روز پیش از یوم الله ۱۳آبان در دیدار با هزاران نفر از دانشجویان و دانش آموزان اینگونه به این شبهه پاسخ دادند و فرمودند:

"بدانید شعار "مرگ بر آمریکا"ی ملت ایران دارای پشتوانه‌ی قوی و عقلانی است و معلوم است که مراد از این شعار، مرگ بر ملت آمریکا نیست. این شعار یعنی مرگ بر سیاست‌های آمریکا، مرگ بر استکبار؛ این دارای پشتوانه‌ی عقلانی است و قانون اساسی و تفکرات عقلانی ما به این ناطق است و این مسئله برای هر ملتی قابل فهم است. "

منظومه نظری و سیره عملی امام خمینی .ره. نیز بارها و به دفعات بسیار بالا این شعار را تایید کرده است. ایشان در پیامی به مناسبت مراسم برائت از مشرکین اینچنین صریح بر این شعار تاکید می ورزند:

" فریادبرائت از مشرکان در مراسم حج یک فریاد سیاسی ـ عبادی است که رسول الله، صلی الله علیه و آله و سلم، به آن امر فرمود. حال باید به آن آخوند مزدور که فریاد مرگ بر امریکا و اسرائیل و شوروی را خلاف اسلام می‌داند گفت تأسی به رسول خدا و متابعت از امر خداوند تعالی خلاف مراسم حج است؟ آیا تو و امثال تو آخوند امریکایی فعل رسول الله ـ صلی‌الله علیه و آله و سلم ـ و امر خداوند را تخطئه می‌کنید، و تأسی به آن بزرگوار و اطاعت فرمان حق تعالی را بر خلاف می‌دانید؟"

آیا استاندار سیستان و بلوچستان به دنبال ایجاد تحریف در راه و سیره رهبران انقلاب اسلامی است؟ چرا با واضحات انقلاب اسلامی اینگونه برخورد می شود؟ این شعار و حرکت اصیل که به گفته رهبر معظم انقلاب دارای پشتوانه عقلانی بسیار قوی می باشد چرا از جانب آقای اوسط هاشمی اینگونه مورد بی مهری واقع می شود؟

گفتنی است که چندی پیش نیز علی اوسط هاشمی در حساب کاربری خود در فیس‌بوک، علاقه‌مندی اش را نسبت به «مهدی پرپنچی» یکی از فعالان ضدانقلاب ساکن لندن و مجری شبکه سلطنتی بی‌بی‌سی فارسی ابراز داشته است.

منبع: زاهدان پرس

کبدی، برند جهانی سیستان در موج بی تفاوتی

به گزارش «توسن»، با وجود رتبه نخست کبدی در سیستان و بلوچستان امکانات اختصاص یافته به این رشته در حد عملکرد آن نبوده به طوری که به رغم وجود خانه کبدی در تمامی استان ها، در سیستان و بلوچستان هنوز چنین تشکیلاتی تعریف نشده است.

متاسفانه سیستان و بلوچستان در کشور به عنوان یکی از استان های جرم خیز و ناامن شناخته شده است در حالی که با رشد رشته های ورزشی که در آن استعداد فراوان وجود دارد می توان چهره زیباتری از استان نه تنها در سطح کشور، بلکه در سطح بین المللی نشان داد.

با توجه به هم مرز بودن با کشورهای جرم خیز افغانستان و پاکستان، پرورش ورزشکاران در رده های مختلف ورزشی می تواند از بسیاری از کجروی ها و انحرافات به ویژه اعتیاد در استان جلوگیری کرد.

سه هزار کبدی کار در سیستان و بلوچستان فعالیت دارند

رییس هیئت کبدی سیستان و بلوچستان گفت: تعداد ۶۰۰ کبدی کار سازمان یافته و سه هزار کبدی کار سازمان نیافته در استان فعال هستند.

سعید مقدم بقا با بیان سیستان، مهد کبدی کشور به شمار می آید عنوان کرد: کبدی سیستان و بلوچستان، نه تنها در ایران بلکه در جهان به عنوان یک برند شناخته می شود.

وی ادامه داد: در سطح ایران کبدی یک رشته مدال آور مورد توجه کمیته ملی المپیک و وزارت ورزش قرار دارد چرا که در رده بندی فدراسیون ها که شامل ۵۵ رشته می باشد کبدی در جایگاه یازدهم قرار دارد.

وی عنوان داشت: با وجود قدمت کم کبدی در کشور به طوری که فدراسیون کبدی در سال ۱۳۸۴ ایجاد شده، این رشته رشد چشمگیری داشته است که حتی در بخش بانوان نیز مدال آور هستیم.

مقدم بقا افزود: تیم های کبدی سیستان و بلوچستان در رتبه های خوبی قرار داشته به طوری که در رشته های نوجوانان و نونهالان کشوری در بخش دختران و پسران به مرحله کشوری راه یافته اند.

وی در این راستا افزود: در تیم های ساحلی نیز تمامی استان ها با یک رشته حضور داشتند اما سیستان و بلوچستان به دلیل دارا بودن بازکنان مستعد با دو تیم در این مسابقات حضور یافته که در این راستا یکی از تیم های استان جز شش تیم راه یافته به مرحله بالا بوده که به زودی در گلستان مسابقات نهایی را پشت سر خواهد گذاشت.

وی با بیان در حال حاضر تیم های بانوان و آقایان استان به مرحله نهایی در لیگ کشور صعود کرده اند بیان داشت: تیم سالنی آقایان که در دانشگاه آزاد فعالیت دارد سال گذشته مقام قهرمانی را کسب کرد همچنین تیم بانوان نیز در سال گذشته قهرمان لیگ ایران شد.

وی با بیان در مسابقات کره جنوبی امسال، شش کبدی کار از سیستان و بلوچستان حضور داشتند تصریح کرد: لیگ های استانی ساحلی و سالنی در استان فعال هستند همچنین تیم های کبدی در دانشگاه ها و مدارس استان راه اندازی شده است.

حضور بیش از ۲۰ کبدی کار سیستانی و بلوچ در تیم های ملی

رییس هیئت کبدی سیستان و بلوچستان و منطقه پنج کشور اظهار داشت: سیستان و بلوچستان نقش کلیدی در کشور را در تیم های ملی از نظر بازیکن، مدیر و مربی سیستان و بلوچستان ایفا می کند به طوریکه بسیاری از مهره های اصلی تیم ملی از سیستان و بلوچستان هستند.

سعید مقدم بقا با بیان تقریبا ۲۵ کبدی کار از سیستان و بلوچستان در تیم های ملی حضور دارند افزود: در رده بندی، تیم سیستان و بلوچستان پس از گلستان در جایگاه دوم در کشور قرار گرفته است.

وی بیان داشت: در رتبه بندی رشته های ورزشی در استان، کبدی رتبه نخست را در استان داراست.

سیستان و بلوچستان از وجود خانه کبدی بی بهره است

رییس هیئت کبدی سیستان و بلوچستان گفت: امکانات موجود برای کبدی در استان بسیار کمتر از میزان عملکرد این رشته می باشد.

سعید مقدم بقا عنوان داشت: در حالی که تمامی استان های دارای خانه کبدی با تشکیلات مستقل می باشند اما در سیستان و بلوچستان که مهد این رشته می باشد خانه کبدی وجود ندارد.

وی بابیان اینکه سیستان و بلوچستان رییس منطقه پنج کشور می باشد اما حتی یک دفتر هیئت خوب در استان وجود ندارد افزود: خوابگاه مشخص در زاهدان و زابل وجود ندارد در حالیکه در طی سال اردوهای زیادی برگزار می شود.

وی با اشاره به خانه کبدی و سالن تمرین و خوابگاه مناسب در استان باید راه اندازی شود افزود: در شهرستان های زابل و زهک سالن تمرین مناسب و دفتر هیئت وجود ندارد.

وی با عنوان اعتبار پولی و بودجه مناسب برای رشته کبدی در نظر گرفته نشده است گفت: به دلیل نبود بودجه برای اعزام تیم ها و حضور در مسابقات از اسپانسر و حامی مالی استفاده می شود اما اسپانسر هم به میزان کافی در استان وجود ندارد چرا که هر اسپانسر تنها یکی از تیم های کبدی را حمایت می کند.

به منظور ارتقا کبدی استان، ارتباطات بین المللی را باید قویتر کرد

مقدم بقا عنوان کرد: کبدی استان در سطح کشور تثبیت شده اما اگر خواهان رشد آن در سطوح فراملی هستیم باید ارتباطات بین المللی را قویتر کرد.

وی ادامه داد: خوشبختانه ارتباطات بین المللی با کشورهای هند، پاکستان، کره و تایلند ایجاد شده به طوریکه ما در حال حاضر اردوهای رفت و برگشتی با آنان داشته همچنین یک بازیکن نیز به هندوستان صادر شده است.

وی افزود: هرچه ارتباطات بین المللی بیشتر شود، سیستان و بلوچستان شناخته تر شده و کبدی عاملی برای شناخت بیشتر استان در جهان می شود.

منبع: عصرهامون

شهرسوخته پس از ۱۶ماه ثبت جهانی هنوز مدیر ندارد

به گزارش «توسن»، شهرسوخته به عنوان اثر ارزشمند باستانی سیستان و بلوچستان و هفدهمین اثر جهانی ایران تیر ماه ۱۳۹۳ در سی و هشتمین اجلاس یونسکو در دوحه قطر به ثبت رسید.

ثبت یک محوطه باستانی در فهرست آثار جهانی نیازمند وجود شاخصه های متعددی از جمله برجای ماندن آثار مهم هنری و زیستی بشری است که سایت جهانی شهرسوخته این مشخصه های برجسته را به خوبی نمایان کرده است.

آثار بدست آمده در ۱۴ فصل کاوش از جمله نخستین چشم مصنوعی و جراحی جمجمه (مغز)، نخستین انیمیشن جهان، خط کش میلی متری، فاضلاب شهری و غیره از محوطه باستانی شهرسوخته سیستان باستان شناسان دنیا را به شگفتی واداشته است.

این در حالی است که هنوز بخش کوچکی از این محوطه کاوش شده و به گفته سرپرست هیات باستان شناسی کاوش شهر سوخته برای حفاری و بررسی این محوطه سال های زیادی زمان نیاز است.

بسیاری از باستان شناسانی که به سیستان سفر کرده اند با مشاهده آثار متعدد بازمانده از دوران های باستانی و تاریخی از جمله شهر هخامنشی دهانه غلامان، کوه خواجه و قلاع مختلف آن، زاهدان کهنه، کرکویه، قلعه رستم و غیره، این منطقه را بهشت باستان شناسان نامیده اند.

وجود آن همه آثار و ابنیه تاریخی و باستانی که در زیر خروارها خاک و شن مدفون شده نیازمند توجه ویژه است تا سیستان به یکی از بزرگترین مکانهای گردشگری تاریخی تبدیل شود.

با ثبت اثر باستانی شهر سوخته در فهرست جهانی مردم سیستان و بلوچستان انتظار داشتند که از این فرصت گرانبها برای معرفی استان بهره برداری شایسته ای انجام شود اما نه تنها در حد و اندازه آن حرکتی نشده بلکه حتی مدیری که نخستین گام در به حرکت در آورده چرخه فعالیت است، برای پایگاه شهرسوخته تعیین نشده است.

نبود فضای سبز و امکانات لازم برای باستان شناسان و گردشگران، نداشتن شبکه آب لوله کشی سالم و بهداشتی، خرابی مکرر سرویس های بهداشتی، نداشتن تیم کامل حفاظت و انجام نشدن کارهای پژوهشی، برقرار نشدن تورهای گردشگری، ناآشنایی شرکت ها و موسسه های برگزار کننده تورهای گردشگری گوشه ای از مشکلاتی است که سبب استقبال نکردن هموطنان از این اثر باستانی جهانی شده است.

یک کارشناس میراث فرهنگی به خبرنگار ایرنا گفت: نخستین شروط و پارامتر برای به ثبت رساندن یک اثر در سازمان یونسکو داشتن مدیریت، محتوا، تعیین حریم، گردشگر و برنامه است.

منبع: ایرنا

چرا سجل سیاسی برخی نمایندگان سیستان و بلوچستان مشخص نیست؟

در حالی کمتر از چهارماه به ماراتن مجلس باقی مانده است که اهمیت و جایگاه مجلس شورای اسلامی و نقش حضور مردم در صحنه بر همه روشن است . هر چه از عمر پر برکت جمهوری اسلامی ایران می گذرد و مردم متعهد و انقلابی ایران اسلامی به اهمیت حضور و نقش تعیین کننده خود در تمامی صحنه های انقلاب، آگاهتر می شوند و راز دوام و بقاء انقلاب خود را بهتر در می یابند .

بسیاری از کارشناسان سیاسی معتقدند که نمایندگان باید با سجل و هویت سیاسی مشخص پا به عرصه انتخابات بگذارند تا انتخاب برای مردم راحتر شود و پیگیری مطالباتی که به مردم می‌دهند نیز روشن باشد.

آگاهان سیاسی در حالی بر عیان بودن هویت سیاسی نمایندگان تاکید می کنند که در استان سیستان و بلوچستان داستان متفاوت است، بسیاری از نمایندگان استان با سبدهای رای مشخص پا به ساختمان بهارستان می گذارند.

جایگاه احزاب در سیستان و بلوچستان

نامزدهای نمایندگی مجلس در حالی در استان های دیگر با برندی مشخص پا به عرصه انتخابات می گذارند که نامزدهای مجلس شورای اسلامی در سیستان و بلوچستان همواره خود را به صورت مستقل برای ماراتن انتخابات آماده می کنند و ترجیح می دهند سمت و سوی خود را در همان صحن مجلس و مطابق با وزش باد موافق مشخص کنند انتخاب این تاکتیک نامزدهای مجلس در استان و مخفی کردن هویت سیاسی گاهی موجب چرخش سیاسی این نمایندگان می شود و به یکباره یک نماینده اصولگرا را تبدیل به اصلاح طلب می کند!

نمایندگان کهنه کار استان سیستان و بلوچستان همواره به اصول و خطوط قرمز نظام پایبند هستند اما جوانترها و افرادی که به دنبال دست و پا کردن نامی برای خود هستند و همواره با حضور در کنار افراد شاخص مذهبی و سیاسی استان سعی می کنند خود را به آنها پیوند زنند نه تنها در مجلس صدای آنها شنیده نمی شود بلکه در استان هم به اصطلاح کسی برای آنها تره خورد نمی کند!

بسیاری از مطلعین سیاسی اعتقاد دارند، بهترین سجل سیاسی آن است که افراد عضو تشکیلات احزاب سیاسی باشند.

احزاب کارآمدترین ابزار برای پاسخ گو کردن نمایندگان در همه نظام های برآمده از رای مردم هستند اما در استان سیستان و بلوچستان نامزدهای احتمالی مجلس با رایزنی با افرادی مشخص که سبدهای رایی ثابت در اختیار دارند راه خود را برای ورود به بهارستان آماده می کنند.

نقش کمرنگ احزاب در سیستان و بلوچستان هنگامی عیان می شود که از هشت نماینده استان در مجلس نهم ۵ تن از آنها مستقل در انتخابات حضور یافته اند کارشناسان سیاسی استان نیز بر این باورند که انتخابات در استان سیستان و بلوچستان هنوز به صورت سنتی و با توصیه بزرگان انجام می شود.

در حالی کاندیدای پهناور ترین استان کشور ترجیح می دهند اعلام کنند عضو هیچ حزبی نیستند! که در جوامع توسعه یافته نه تنها یک حسن نیت بلکه یک ضعف بزرگی برای کاندیدا محسوب می‌شود. هر چه به سمت روشن شدن جریان های سیاسی با هویت روشن تر پیش برویم مجلس هم به جایگاه واقعی خود نزدیک می‌شود.

اما با فعال شدن اصلاح طلبان در استان سیستان و بلوچستان و جلسات مخفی و عیان آنها به نظر می رسد بزرگان این طیف در استان سعی دارند حول محور حزب تازه تاسیس اتحاد ائتلاف کنند.

نیروهای اصلاح‌طلب با توجه به تندروی‌هایی که از زمان مجلس ششم تا فتنه ۸۸ و امروز انجام دادند، به مهره‌های سوخته‌ای تبدیل‌شده‌اند که کارآمدی چندانی برای این جریان سیاسی ندارند و نظام نیز هیچ اعتمادی به آن‌ها نخواهد داشت.

حزب تازه تاسیس اتحاد که سیاسیون آن را به حزب منحله مشارکت دو می شناسند به واسطه عضویت یکی از اصلاح طلبان شناسنامه دار استان در شورای مرکزی این حزب تحرکات سیاسی خود را به صورت گسترده در سطح استان سیستان و بلوچستان آغاز کرده است و به دنبال رایزنی با برخی افراد شاخص و صاحب سبد رای در استان هستند.

چندی پیش بود که به واسطه کمک های نامرئی افراد طراز اول سیاسی استان خبر حضور آذر منصوری یکی از اعضای شورای مرکزی حزب اتحاد ملت به گوش رسید اما مخالفت مردمی مانع آن شد اما این عده با تلاش های دامنه دار خود موفق شدند علی شکوری راد یکی از فعالان فتنه ۸۸ را به دانشگاه سیستان و بلوچستان دعوت کنند دعوتی که به توهین های شکوری راد به شورای نگهبان و مجلس نیمه تمام رها شد و سبب شد رئیس کل دادگستری استان با هشداری شدید اللحن برای حضور مجدد فتنه گران به استان خط و نشان بکشد.

منبع: عصرهامون